

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

استاد مشاور : حجت الاسلام والمسلمين استاد مهدى احمدى

گرد اورنده : عيسى جفائى طلبه سطح دو حوزه عليه

خلاصه كتاب حديث سد الابواب آيت الله ميلانى

چکیده :

السلام علیک یا مولای یا امیر المومنین علیه السلام ؛ خداوند متعال بعد از ارسال وحی و مبعوث نمودن پیامبر اکرم بر مقام رسالت همواره بر وصایت و خلافت بعدالنبی نشانه ها و پیام هایی را میفرستاد تا با بیان فضائل اهل بیت علیهم السلام جو فکری جامعه را برای پذیرش امامت امیرالمومنین علی علیه السلام فراهم سازد که حدیث سد الابواب یکی از ان پیام های ملکوتی است. لذا در اینجا باهدف ایجاد تصویری کامل از حقیقت این حدیث و نقد نمونه های کاذب و متشابهی که در تاریخ نقل شده شروع به کار کردیم. لازم بذکر است که نمونه کار های اساتید و علمای پیشین در این زمینه بسیار است که ما در اینجا از کتاب سد الابواب ایت الله میلانی بهره گرفتیم و اثری مفید از ایشان را تحت اختصار برای مخاطبین گرام آماده کرده ایم و در کنار توجه مستمر استاد محترم و کارشناس علم کلام حجت الاسلام استاد مهدی احمدی کار را مورد اصلاحاتی قرار دادیم و نتیجه ی ان روشن شدن حقیقت روایت سد الابواب بطور مفصل است و علاوه بر ان نقد روایاتی که به دروغ الگو برداری شده ی از این حدیث هستند .

کلید واژه:

سد الابواب- حدیث- وارونه- اهل تسنن- امام علی (ع)

مقدمه:

خداوند متعال بعد از ارسال وحی که حضرت محمد صل الله علیه و اله را به پیامبری و مسئولیت هدایت مردم انتخاب کرد همواره بواسطه ی وحی راهنمای ایشان بود و در مسیر هدایت بشر ایشان را یاری مینمود ، در هدایت جامعه از مهمترین مباحث قطع نشدن منبع نور الهی بود که نباید هیچ زمان از بین مردم محو می شد به نحوی که بعد از شهادت پیامبر (ص) هم مردم از این نعمت برخوردار میشدند ، بر همین اساس یکی از وظایف ایشان رساندن جامعه تازه مسلمان بر این فهم بود که همان خدایی که برای هدایت بشر پیامبری میفرستند ، باید خلیفه ای بفرستند تا این سیر هدایت قطع نشود و این مهم را با بیان فضائل اهل بیت (ع) در پیش گرفتند که حدیث سد الابواب یکی از آنهاست . ندانستن عظمت و نداشتن معرفت حقیقی نسبت به این حدیث شاید در شناخت راه هدایت و سعادت که پیامبر اسلام و خداوند برای ما خواسته اند را دچار اخلال کند و مشکل ان جایی بشتر میشود که بدانید عده ای دست بر ساخت احادیثی شبیه این برای افراد غیر، زده اند تا مسیر هدایت را به بیراهه ی جهل بکشانند . از سالیان دور خادمان خاندان رسالت و امامت با آثار متفاوتی سعی در روشن ساختن این راه داشته اند که آثار ایت الله میلانی ره از ان موارد است که انشالله خلاصه وچکیده ی ان را تقدیم نگاهتان خواهد شد.

متن مقدمه کتاب:

آخرین و کاملترین شریعت الهی با رسالت حضرت محمد (ص) به تحقق رسید و در مدت 23 سال از شهر مکه به تمام جزیره العرب وسعت پیدا کرد، بعد از ایشان این رسالت مهم در واقعه ی غدیر خم به دوش حضرت امیر المومنین علی (ع) افتاد و به طور علنی همگان آگاه به این امر شدند.

اما طولی نکشید که برخی اطرافیان رسول الله با توطئه هایی مسیر هدایت الهی را منحرف کردند و با توسل به تدلیس و منع احادیث نبوی و بدعت به شدت این انحراف افزودند.

اما با تمام اینها اصل اسلام و احادیث نبوی توسط امیر المومنین مولا علی (ع) و دیگر معصومین (ع) و برخی اصحاب با وفا در هر برهه ای به گوش مردم میرسید و موجب هدایت میشد، و در این میان علمای خدا ترسی مثل شیخ مفید و شیخ طوسی و علامه امینی و... با قلم خود در تقویت این امر بسیار کوشیدند

و در عصر حاضر یکی از ان عالمان باتقوا حضرت ایت الله میلانی استو این کتاب پیش رو یکی از آثار ایشان است که در مرکز حقایق اسلامی به جمع اوری و نشر رسیده امید است که مورد رضای خداوند و خشنودی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشد

• متن حدیث سدالابواب :

یکی از احادیث صحیح قطعی، مشهور ومتواتر که پیامبر خدا صل الله علیه وآله در شان امیرالمومنین علی علیه السلام بیان کردند حدیث سدالابواب است.

رسول خدا فرمودند :

سدالابواب إلا باب علی

تمام درها-جز در خانه علی - رابندید

این روایت با متون مختلفی در کتب مهم و مشهور اهل سنت نقل گردیده است.

• به روایت حاکم نیشابوری:

علمای زیادی به نقل این حدیث پرداخته اند .حاکم نیشابوری به سند خود از زید ابن ارقم نقل میکند:

در خانه برخی از اصحاب پیامبر صل الله علیه وآله به مسجد باز میشد.

روزی رسول خدا فرمود:

سدوا هذه الابواب إلا باب علی

این درها - جز در خانه علی - را ببندید.

زید بیان میکند مردم به این سخن اعتراض کردند. و رسول خدا برخواستند و فرمودند:

أما بعد، فإني أمرت بسد هذه الأبواب غير باب علی، فقال فيه قائلکم. والله، ما سددت شيئاً ولا فتحته، ولكن أمرت بشيء فاتبعته

من به بستن این درها جز در خانه علی امر نمودم ، برخی از شما به این مسئله اعتراض کردید ، به خدا من به رای خود نه دری بستم و نه دری را گشودم بلکه به کاری امر شدم و از آن فرمان پیروی کردم .

حاکم نیشابوری سند این روایت را صحیح اعلام میکند. همچنین در سند دیگری از ابوهیره نقل میکند روزی عمر بن خطاب گفت به علی بن ابی طالب سه ویژگی عطا شد که اگر یکی از آنها را میداشتم در نزد من از هر نعمتی محبوب تر بود

پرسیده شد آنها کدام اند ؟ گفت ازدواج او با دختر رسول خدا(ص) ، سکونتش در مسجد همراه پیامبر (ص) به طور ی که هر چیزی برای پیامبر (ص) در مسجد حلال بود برای او هم حلال بود ، و دادن پرچم به او در جنگ خیبر .

پس از بیان این روایت حاکم نیشابوری اینچنین میگوید که گر چه سند این حدیث در بخاری و مسلم نیامده اما صحیح است .

همچنین علمای دیگری همچون ترمذی ، احمد بن حنبل و نسائی این روایت سد الابواب را در کتب خود آورده اند

بخش دوم ، وارونه کردن حدیث سد الابواب :

واضح است که این حدیث در شأن امیر المومنین علی (علیه السلام) بیان شده است به حد تواتر رسیده است ولی بعضی با عنادی که داشتند چون نتوانستند اصل حدیث را انکار کنند به جعل حدیث پرداختند، علی (ع) را به ابوبکر تغییر دادند و کلمه ی درب را به دریچه تبدیل کردند و حدیث الخوخه(حدیث دریچه) را جعل کردند .

علمایی همچون بخاری و مسلم و... این حدیث را در کتب شان آورده اند .

● حدیث وارونه به روایت بخاری:

بخاری در چند بخش از کتاب خود این روایت را بیان میکند. او در باب (دریچه و راهی برای عبور و مرور در مسجد) از ابن عباس نقل میکند:

در دوران بیماری پیامبر اکرم صل الله علیه وآله درحالی که دستمالی به سر بسته بود وارد مسجد شدن و روی منبر نشستند و فرمودند

در میان مردم نسبت به من کسی بخشنده تر از ابوبکر ابن ابی قحافه نیست به طوری که اگر بخواهم دوستی برای خود برگزینم یقیناً او را بر می گزیدم ولی برادری و دوستی اسلامی بالا تر است. هر دریچه خانه ای را که به این مسجد باز میشود جز دریچه خانه ابوبکر نبیندید.

(صحیح بخاری، باب دریچه و محل عبور، حدیث 455)

تحریف حدیث وارونه توسط بخاری:

بخاری پس از اینکه این حدیث را از ابن عباس در بخش (دریچه و محل رفت و آمد در مسجد) نقل میکند. در بخش (مناقب) کلمه دریچه را به در تغییر میدهد و تحریف میکند.

ووشن بودن این تحریف به اندازه ای است که شارحان صحیح بخاری برای توجیه آن سردرگم شده اند.

ابن حجر عسقلانی نوشته است بخاری این حدیث را به لفظ دریچه آورده و برای توجیه این تحریف مینویسد که گویا بخاری این حدیث را نقل به معنا کرده و با توجه به اینکه از (گویی...!) استفاده میکند یعنی خود ابن حجر هم اطمینان به نقل معنا شدن این حدیث ندارد.

«فتح الباری: ۱/۴۴۲»

بررسی سند حدیث (دریچه) در بخاری:

این حدیث در بخاری از ابن عباس نقل شده است. و در بی اعتباری این حدیث همین بس که راوی آن از ابن عباس «عکرمه بربری» آزاد شده ابن عباس است.

نگاهی به شرح حال عکرمه :

اکنون به شرح چند ویژگی بارز عکرمه آزاد شده ابن عباس می پردازیم:

۱. هم عقیده بودن او با خوارج

او علاوه بر هم عقیده بودن با خوارج مردم را نیز به عقاید آنها دعوت میکرد.

۲. ایراد گرفتن از دین و تمسخر احکام

تین ایراد گرفتن و تمسخر به اندازه ای بود که نقل شده روزی کنار در مسجد پیامبر صل الله علیه و آله ایستاد

و گفت: کسی جز کافر در آن نیست. و موارد مشابه دیگری...

۳. بسیار دروغگو بودنش

و این دروغگویی به اندازه ای بود که علی ابن عبدالله بن عباس بخاطر دروغ بستن عکرمه به پدرش او را به در مستراح بست.

۴. رفت و آمد دائمی او به دربار امیران بخاطر دنیا .

لذا بخاطر این مسائل مردم حاضر نشدند حتی در تشییع جنازه او شرکت کنند .

و چهار مرد سیاه پوست را برای این کار اجیر کردند .

«التحقیق فی نفی التحریف: ۲۷۰-۲۷۴»

به جز صحیح بخاری این حدیث در صحیح مسلم از ابوسعید خدری نقل شده است .

مسلم نیشابوری سند نخست را از عبدالله بن جعفر بن یحیی بن خالد، از معن، از مالک ابن انس نقل میکند .

که در شرح حال مالک نیز اینگونه نقل شده است که او

۱. از خوارج بود

۲. او امیر المومنین علی علیه السلام را با مردم دیگر مساوی میدانست و سه خلیفه را بر دیگر خلائق برتری

میداد.

۳. وی هیچگونه روایتی از امیر مومنان علی علیه السلام نقل نمیکرد به گونه ای که تعجب دیگران را به خود وا

داشته بود.

و بهانه او برای این کار این بود که میگوید او در شهر من نمیزیست و با راویان حدیث او ارتباطی نداشتم.

«تنویر الحوالک: ۱/۷، شرح موطأ زرقانی: ۱/۴۳.»

۴. تدلیس گری او

۵. همنشینی اش با امیران و سکوت او در برابر اعمال ناپسند آنان.

مالک از نظر مالی بسیار فقیر بود تا جایی که چوب سقف خانه اش را فروخت ، اما از زمانی که به خدمت حکام

در آمد وضعیت مالی او دگرگون شد.

و در این حال طبیعی است که او مطیع و فرمانبردار حکام و سلاطین باشد.

«ترتیب المدارک: ۱/۱۱۹»

«العقد الفرید: ۱/۲۹۴»

۶. بخاطر خوش خدمتی که مالک نسبت به آنان داشت حاکمان مردم را وادار میکردند که به دستورات کتاب

الموطأ و فتاوی مالک عمل کنند .

۷. مالک با آلات موسیقی آواز میخواند به طوری که مشهور شده بود و علما به آن تصریح کرده اند .

«تهایه الارب: ۴/۲۲۹»

۸. ناآگاهی او از مسائل شرعی.

به طوری که نوشته اند در باره ی ۴۸ مورد از مالک سوال شد در پاسخ به ۳۲ مورد گفت نمیدانم.

۹. مالک در دوران بیماری خود که منجر به مرگش شد گریست و گفت : کاش بخاطر هر فتوایی که دادم تازیانه

ای می خوردم.

«وفیات الاعیان: ۳/۱۳۷»

۱۰. عیب جویی و نظر سوء علما نسبت به مالک

«تاریخ بغداد: ۲/۱۰۸۰»

معلوم شد حدیث (دریچه) را بخاری و علمای دیگر از ابن عباس و ابوسعید نقل کرده اند و بخاری آن را تحریف

کرده است و سندی هم برای آن ذکر نکرده است .

نظریه علمای اهل سنت نسبت به حدیث:

علمای اهل سنت بر این باورند که حدیث (دریچه) برتری و فضیلت ابوبکر را بیان میکند .

و بر این باورند این فضیلت دلالت بر جانشینی و امامت ابوبکر دارد و مورد استدلال قرار میدهند .

حال نظر برخی از علمای اهل سنت را بیان میکنیم :

نووی مینویسد در این حدیث فضیلت و ویژگی روشنی برای ابوبکر وجود دارد .

«المنهاج در شرح صحیح مسلم ۱۵/۱۲۴»

ابن حجر عسقلانی مینویسد . این حدیث ویژگی محکمی برای ابوبکر و جانشینی وی میباشد .

لذا اینکه در آخرین لحظات عمر پیامبر هم بوده و رسول اکرم ص در همان زمان فرمودند کسی جز ابوبکر پیش

نماز آنان نشود.

و همچنین علمای دیگری که همین نظر را دارند:

پیشانی علمای اهل سنت در بیان استدلال:

بانگاهی به نظریات علمای اهل تسنن معلوم میشود که خود آنها دچار پریشانی و اختلاف در نظرشان هستند به طوری که نظر برخی در جای دیگر با نظر خودش متفاوت است.

به طور مثال نووی در این باره فقط گفته که در این حدیث فضیلت و ویژگی روشنی برای ابوبکر وجود دارد.

در پاسخ به نووی میگوییم فضیلت وقتی ثابت میشود که قضیه مورد نظر ثابت گردد. و ویژگی روشن داشتن در جایی است که چنین قضیه ای در حق کس دیگری صادر نشده باشد.

و اینکه علمای اهل سنت بر این باورند که این قضیه که در واپسین لحظات عمر پیامبر ص بوده و ابوبکر را پیش نماز کرده اشاره ای محکم بر خلافت اوست.

میگوییم این قضیه پیش نماز کردن ابوبکر دروغ است

«برای بهتر روشن شدن این قضیه به کتاب چگونگی نماز ابوبکر به جای رسول خدا صل الله علیه و آله از

تألیفات آیت الله میلانی مراجعه شود»

بررسی نظریه صحیح در حدیث (سدالابواب):

با توجه به بررسی های انجام شده روشن شد شکی در آن نیست که امر پیامبر به بستن در خانه صحابه جز در خانه بکی از آنها، یک فضیلت و ویژگی خاص محسوب میشود.

و با توجه به کسانی که منکر فضایل امیر مومنان علی علیه السلام بودند همچون مالک ابن انس و ... متوجه حدیث پیامبر شدند و بخاطر صحت سند هایش نتوانستند آن را انکار کنند. ابتدا این حدیث را به نفع ابوبکر برگرداندند و سپس حدیث «دریچه» را در حق ابوبکر جعل کردند.

علمای اها تسنن نسبت به حدیث اصلی که بر حق امیر مومنان علی علیه السلام نقل شده است چند گروه

شدند:

۱. گروهی از آنها اصل حدیث «سدالابواب الا باب علی»، (همه درها را جز در خانه علی را ببندید) را ذکر نکردند

و آن رارنه نفی کردند و نه اثبات، مثل نووی در شرح صحیح مسلم و کرمانی در شرح بخاری

۲. عده ای حدیث را آورده اند اما سخنانشان ناهمگون است. برخی حدیث دریچه را ترجیح داده اند و برخی

دیگر آن را رد کرده اند.

۳. برخی این حدیث را ساختگی اعلام کرده اند امثال ابن جوزی و پیروان او .

۴. بعضی به تحیح بودن این حدیث اعتراف کرده اند و جعل و ضعف آنرا رد کرده اند و به دنبال جمع بین این دو حدیث اند . مثل طحاوی و ابن حجر عسقلانی و پیروان آنها

با توجه به توضیحات گذشته روشن شد که اصل حدیث همان «الا باب علی علیه السلام» است . احمد ابن حنبل و نسائی از سعد ابن ابی وقاص نقل میکنند . که رسول خدا صل الله علیه و آله به ما دستور داد در خانه هایی که به مسجد باز میشد ببندیم و در خانه علی علیه السلام را استثنا کرد . راویان این حدیث از نظر نقل حدیث قوی هستند.

در ادامه برای روشن تر شدن موضوع دیدگاه برخی از علمای اهل تسنن را نسبت به حدیث ذکر میکنیم و به بررسی آن میپردازیم :

دیدگاه ابن روزبهان :

ابن روزبهان میگوید مسجد در زمان رسول خدا ص به خانه پیامبر اسلام متصل بود و علی بخاطر موقعیتش نسبت به دختر پیامبر ص در خانه رسول خدا صل الله علیه و آله ساکن بود . و مردم از درهایی که به مسجد باز میشد رفت و آمد میکردند و برای نمازگزاران مزاحمت ایجاد میشد . لذا پیامبر دستور داد که همه در ها جز در خانه علی را ببندید .

وی میگوید در دو کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم حدیث صحیح آمده که رسول خدا صل الله علیه و آله دستور به بستن تمامی خوخه ها به جز خوخه ابوبکر را داد و خوخه همان دریچه است . پس این فضیلتی است که برای ابوبکر و علی حاصل شده .

«دلائل الصدق ۲/۴۰۳، به نقل از ابطال نهج الباطل»

بررسی دیگران ابن روزبهان :

این یخن از چند جهت قابل بررسی است

1. اینکه میگوید علی علیه السلام در خانه رسول خدا صل الله علیه و آله سکونت داشت و خود خانه

ای آنجا نداشت

که تا کنون کسی چنین ادعایی نکرده است . عده ای از اهل تسنن خانه داشتن ابوبکر در مجاورت مسجد را رد کرده اند اما در باره ی علی علیه السلام مساله بالعکس است .

2. اینکه بستن درها به مسجد بخاطر مزاحمت آنها برای مردم بود و چنین ادعایی هیچگونه شاهی در روایات ندارد . بلکه روایات دلالت بر این دارد که . علت پاک کردن مسجد از پلیدی ها بود . لذا پیامبر خود ، علی علیه السلام و اهل بیتش را از این امر استثنا کرد . زیرا آنان پاک و پاکیزه هستند .

3. اینکه ابن روز بهان حدیث «باب علی» و «خوخه ابی بکر» را به نحوی جمع کرده که فضیلتی برای هردو باشد.

و روشن است که مقصود از این جمع انکا اختصاص این فضیلت به امیر مومنان علی علیه السلام است . علمای دیگری همچون ابن کثیر ، ابن حجر ، ابن عراق ، مبار کفوری و حلبی هم دیدگاه هایی برای جمع بین این دو روایت بیان کرده اند که به همه ی ان دیدگاه ها پاسخ دادیم و بجهت اختصار در این نوشتار از ان اجتناب کردیم .

حقیقت امر در حدیث سدالابواب:

با توجه به بررسی های انجام شده چیزی که روشن است اینست که هیچ یک از دیدگاه هایی که در پی جمع بین اینند که این فضیلت را برای ابوبکر و علی علیه السلام ثابت کنند کامل نیستند و نظریات آنان در نهایت آشفتگی است .

پس میتوانیم بگوییم حقیقت امر در حدیث چنین است :

روزی رسول خدا صل الله علیه و آله دستور به بستن تمامی در هایی که به مسجد باز میشد دادند و این به جهت منزله داشتن و دور کردن مسجد از پلیدی ها و آلودگی هابود . به نحوی که حتی در خانه عمویش حمزه سیدالشهدا علیه السلام را با وجود خویشاوندی و مقام رفیعش بست . با این حال پیامبر به بستن در خانه خود و علی علیه السلام فرمان نداد و به آنان اجازه داد تا در مسجد رفت و آمد داشته باشند حتی در حال جنابت .

زیرا اهل بیت پیامبر صل الله علیه و آله له حمک آیه تطهیر که از جانب خداوند نازل شده است و ادله بسیاری که به عصمت اهل بیت علیهم السلام اشاره دارند از همه مردم ممتاز هستند و لذا در خانه آنها هرگز بسته نشد .

چون آن دلیلی که در خانه دیگران بسته شد برای آنان نبود .

و این احادیثی که علت بستن درها را بیان میکند هم در نزد شیعه و سنی بسیار است .

همین موضوع موجب حسادت و خشم عده ای شد و این حسادت در دل پیروان آنان امثال مالک و... باقی ماند

و باعث سد آنان در برابر این حدیث حدیثی جعل کنند و فضیلت و برتری را به ابوبکر نسبت بدهند .

و ما در این نوشتار از نظر سند، متن و دلالت اثبات کردیم که این حدیث جعلی ناتمام است تا جایی که علمای خود اهل تسنن در معنای آن سردرگم و دچار تردید شدند . به گونه ای که برخی چاره ای ندیدند جز اینکه ادعا کنند حدیث «الا باب علی علیه السلام» جعلی و وارونه است. !!!

نتیجه:

اما با همه ی این توضیحات بطور اختصار ثمره ی بحث را این گونه توصیف میکنیم که در این مقاله به بررسی و بحث درباره اصالت و دلالت حدیث سد الابواب پرداختیم و اشاره کردیم که این روایت محصور خاندان اهل بیت علیهم السلام می باشد و اشاره به جایگاه و عظمت این خانواده دارد و رساندیم که دیگر احادیثی هم شبیه به این توسط بدخواهان اهل بیت (ع) ساخته شده ،چرا که در خود چنین دیدند که نمیتوانند قوام این روایت سد الابواب را در دلالت به عظمت خاندان امامت انکار کنند پس تصمیم در تشابه سازی به سبک دروغ برده اند .در آخر هم به نقد این دسته روایات پرداختیم به نحوی که فهمیده شد حتی خود علمای اهل تسنن هم در استدلال به ان دچار مشکل شده اند. و سلام علیکم ورحمت الله .

منابع:

1. تاریخ بغداد خطیب بغدادی، دار الکتب علمیہ، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۷
2. التحقیق فی نفی التعریف
3. ترتیب المدارک
4. تنویر الحوالک
5. دلائل الصدق
6. دلائل الصدق
7. صحیح بخاری: محمد بن اسماعیل بخاری جعفی دار ابن کثیر دمشق بروت یمامہ چاپ 5 سال 1414
8. عقد الفرید
9. فتح الباری
10. منہاج در شرح صحیح مسلم
11. نہایت العر
12. وفیات الاعیان شمس الدین احمد ابن محمد بن خلکان، دار صادر، بیروت، لبنان